

Agostino's story

 LIDA Italia

 Billie Cejka Risnes

 Shir Ahmad Laiwal

 5

 درى prs / English en

من اگوستینو است و من پنجاه و یک ساله هستم. کار من غذا رسانی به توسط
دیسکل است. من دو دختر دارم مگر به بسیر کم گپ می زنیم. من و پدر آنها یکجا
زندگی نمی کنیم چرا که به طلاق گرفتیم.

...

My name is Agostino and I am 51 years old. My job is
delivering food by bicycle. I have two daughters, but we
hardly ever speak. Their mother and I no longer live
together because we are divorced.

من بدم زندگی می کنم چرا که بعد از طلاق مه نمیتوانم کرایه خانه را بپردازم.
کرایه خانه در این شهر بسیار قیمت است.

...

I live with my mother, as I cannot afford to pay rent after the divorce. Rent is very expensive in this city.

چند ھ پیش من به حیث سرایداریک کمپنی ګر می کردم. من اشیی خراب شده را جور می کردم، بکس ھ را انتقال می دادم، و ډ کهن کمک می کردم که به کمک من نیز می داشتند. یک روز کمپنی من را از وظیفه برطرف کرد. من نفهمیدم که چرا.

...

A few months ago I was working as a janitor for a company. I repaired things that were broken, carried boxes, and helped when anyone needed it. One day the company fired me. I did not understand why.

من زید مردم را دیدم که توسط بایسکل غذا رسانی می کردند. من بایسکل را چنانچه می توانم بهر این من دروازه یک شرکت بسته رسانی بزرگ را تک تک کردم. او مرا برای هر رز رسانی سه ایرو پیشنهاد کرد. من هر روز چهل ایرو به دست میروم و اگر روزی خوشبخت باشم شصت ایرو می توانم به دست میروم که مشتریان برایم تیپ بدهد.

...

I saw many people delivering food by bicycle. I can ride a bicycle, so I knocked on the door of a big delivery company. They offered me three euros for each delivery. I make 40€ per day, 60€ if I am very lucky and the customers tip me.

من را در روزهای رخصتی پيسه نه ميدهد، پيسه مريضی نه ميدهد، تقريباً هيچ حقوق به من نه ميدهد، مگر من اين وظيفه را نيز دارم. ديگر کارمندان مهاجرهه از تهم دنيا هستند.

...

I get no paid holiday, no sick pay, hardly any rights at all. I do not think that is right, but I need the job. Most of the other employees are immigrants from all over the world.

زیدی از غذا رسان هر روز در حوادث زخمی میشوند. پس، وقتی که یک غذا رسان بیست و پنج ساله را موتر زد و مرد، مسئولان به طرف او توجه زید کرد. این جی شرم است که پیش از مردن او اینها به او توجه خاص نمی کردن.

...

Many delivery people are injured in accidents every day. Then, when a 25-year-old deliveryman was hit by a car and died, the authorities started noticing us. It is a shame he had to die before that happened.

همراه غذا رستوران از شرکت های دیگر، من به همراهی کارمندان دیگر در یکی از
اتحادیه های شخصی یک کورس در مورد حقوق کارمندان را گرفتم. آنها برای ما
توصیه بدون پول می کردند. ما برای حقوق و شناخت خود مجرزه کردیم.

...

Together with delivery people from other companies, I took
a course on workers' rights with a local union. They offered
us legal advice free of charge. We struggled to get more
recognition and rights.

بعد از مدت طولانی تهم کوشش هی ه به ثمر رسید. یکی از کمپنی هی بزرگ داید یک جریمه بزرگ پردازد و به کرکن ایتن، وظیف دائمی بدهد. این اولین جر بود که در تهم جهن اینطور واقع شده است. معلوم میشود که چیزه پیشرفت می کنند.

...

After a long time all our hard work paid off. One big delivery company had to pay a huge fine and to give workers permanent jobs. It was the first time that had happened anywhere in the whole world. It looks like things are starting to improve.



LIDA Stories

lidastories.net

قصه اگوستينو

Agostino's story

 LIDA Italia

 Billie Cejka Risnes

 Shir Ahmad Laiwal (prs)

